

چگونگی شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام

دکتر محمد سالم محسنی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۲

چکیده

حضرت علی اکبر علیه السلام در کربلا تا آخرین لحظات عمر در کنار پدر بزرگوار خویش ایستادگی کرد و از آن حضرت دفاع نمود تا در نهایت به شهادت رسید. این پژوهش با رویکرد تاریخی و روش توصیفی به مطالعه و بررسی چگونگی شهادت حضرت علی اکبر پرداخته و به این نتیجه دست یافت که آن حضرت پسر بزرگ امام حسین علیه السلام بود و حدود ۲۵ سال یا بیشتر سن داشت. او در میان جوانان بنی هاشم، نخستین کسی بود که از امام حسین علیه السلام اجازه میدان خواست و به جنگ رفت و شهید شد. علی اکبر در میدان نبرد، چنان مبارزه می کرد که دشمن را در تنگنا قرار داد تا سرانجام فردی به نام مِرَّة بن مُنْقِذِ عِدْی بر او حمله و ضربتی وارد کرد و حضرت به زمین افتاد. در آن هنگام افراد دشمن بر او هجوم آوردند و بدنش را با شمشیر قطعه قطعه کردند تا جایی که برخی در چگونگی شهادت آن حضرت تعبیر «ارِباً اَرِباً» را به

۱. دکتری فلسفه اسلامی و مدرس جامعه المصطفی العالمیه. ms.muhseni@yahoo.com

کاربرده‌اند. امام حسین علیه السلام و زینب علیها السلام به بالین علی اکبر آمدند. امام علیه السلام به جوانان بنی هاشم دستور داد که بدن پاره پاره علی اکبر را به خیمه‌ها ببرند و کنار دیگر شهیدان بگذارند. **کلیدواژه‌ها:** ارباً ارباً، عاشورا، علی اکبر علیه السلام، مَرَّة بن مُنْقِد عبدي.

مقدمه

در حادثه عاشورا اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام برای ورود به میدان نبرد و دفاع از آن حضرت از یکدیگر سبقت می گرفتند. آنان تا زنده بودند، اجازه ندادند که جوانان اهل بیت به میدان جنگ بروند اما پس از شهادت آن بزرگواران نوبت به جوانان بنی هاشم رسید. در این میان حضرت علی اکبر نخستین کسی بود که از خاندان بنی هاشم به میدان جنگ شتافته و در راه دفاع از سیدالشهداء به شهادت رسید.

این پژوهش به دنبال آن است که چگونگی شهادت حضرت علی اکبر را در منابع متقدم و معتبر بررسی و گزارش مستندی از آن ارائه کند. نگارنده با روش توصیفی به مطالعه و بررسی اسناد و منابع تاریخی تا قرن هفتم هجری پرداخته و سعی می کند نخست حضرت علی اکبر را به صورت مختصر معرفی و پس از آن، حضور آن حضرت را در کربلا و صحنه مبارزه و نبرد و چگونگی شهادت وی را گزارش کند.

زندگینامه حضرت علی اکبر علیه السلام

علی بن الحسین مشهور به علی اکبر، فرزند بزرگ سیدالشهداء است.^۱ امام حسین علیه السلام به دلیل علاقه شدیدی که به نام پدرش علی داشت (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۶۹/۱۱؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۷۳/۴)، طبق برخی گزارش‌ها، اسم سه پسر خود را «علی» گذاشت که به ترتیب به علی اکبر، علی اوسط و علی اصغر معروف شدند (طبری صغیر، ۱۴۱۳: ۱۸۱؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۷۷/۴؛ شافعی نصیبی، ۱۴۱۹: ۲۵۷؛ اربلی، ۱۳۷۹: ۱/۵۸۱-۵۸۲. همچنین نک. محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱/۳۱۴-۳۱۵).

۱. این مسئله در مبحث بعدی بررسی شده است.

درباره سن علی اکبر گزارش‌های متفاوتی وجود دارد. سن آن حضرت را در هنگام شهادت ۱۸ (ابن اعثم، ۱۴۱: ۱۱۴/۵؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۴/۲؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۱۰۹/۴)، ۱۹ (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۹)، ۲۳ (ابن فُنْدُق، ۱۳۸۵: ۳۹۷/۱) و ۲۵ سال (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۱۰۹/۴) نوشته‌اند. در بعضی مقتل‌های متأخر سن ۲۷ سال نیز برای آن حضرت ذکر شده است (مقرّم، ۱۴۲۶: ۲۶۷).

برخی دیگر گفتند که آن حضرت در زمان خلافت عثمان متولد شده است (اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/۶۵۵) و برخی نیز تنها به این نکته اشاره کرده‌اند که او بیشتر از ده سال سن داشته است (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۲؛ ابن نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۸).

باتوجه به اینکه امام سجاد علیه السلام طبق نظر مشهور در سال ۳۸ هجری متولد شده (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۱۲/۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۳۷/۲) و در کربلا ۲۳ سال سن داشته است (زُبیری، ۱۹۹۹: ۵۸؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۵/۳۴۵؛ ابن عنبه، ۱۳۸۳: ۲۳۶)، و از سوی دیگر چنان که خواهد آمد، علی اکبر از امام سجاد علیه السلام بزرگ‌تر بوده است، بنابراین، گزارش‌هایی که سن حضرت علی اکبر را ۲۵ سال یا بیشتر می‌دانند، به واقع نزدیک‌تر است (برای مطالعه بیشتر نک. تاریخ قیام، ۱۳۹۵: ۶۲۴/۲-۶۲۵؛ عمرانی، ۱۳۹۷: ص ۱۰-۱۵).

کنیه حضرت علی اکبر «ابوالحسن» (اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶) و مادرش لیلا دختر ابی مُرّة بن عروه بن مسعود ثقفی است (فُضیل بن زُبیر، ۱۴۰۶: ۱۵۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۶/۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۲؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۴/۲؛ سبط ابن جوزی، ۱۳۲۶: ۱۷۴/۲). لیلا از طرف مادر به بنی امیه منسوب است؛ چون مادرش میمونه دختر ابوسفیان است (فُضیل بن زُبیر، ۱۴۰۶: ۱۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: ۳۷۰/۱ و ۴۷۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۵۲/۳؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲۰۹/۱؛ سبط ابن جوزی، ۱۳۲۶: ۲۴۰/۲).

علی اکبر علیه السلام بزرگ‌تر از امام سجاد علیه السلام

آیا علی بن الحسین که به «علی اکبر» مشهور است، پسر بزرگ سیدالشهداء بوده و

بزرگ‌تر از امام سجاده علیه السلام بوده است؟ در این مسئله دو دیدگاه وجود دارد. در دیدگاه اول برخی مورخان، امام سجاده علیه السلام را پسر بزرگ امام حسین علیه السلام دانسته و عنوان «علی اکبر» را بر او اطلاق کرده‌اند و علی شهید را که مادرش لیلا بود، «علی اصغر» خوانده‌اند و از کودکی به نام علی اصغر نام نبرده‌اند (مغربی، ۱۴۰۹: ۱۵۲/۳-۱۵۴، ۲۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۱۳۵؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۵؛ همو، ۱۴۲۲: ۸۸؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲: ۲۴۰). دیدگاه دوم حاکی از آن است که اکثر منابع تاریخی و کتاب‌های سیره و نسب‌شناسی، علی شهید در کربلا را علی بزرگ‌تر خوانده و عنوان «علی اکبر» را بر او اطلاق کرده‌اند و امام سجاده علیه السلام را پسر دوم امام حسین علیه السلام دانسته‌اند. اما در میان طرف‌داران این دیدگاه، درباره اینکه آیا عنوان «علی اصغر» بر امام سجاده علیه السلام اطلاق می‌شود یا کودکی به نام «علی اصغر» بوده و امام سجاده «علی اوسط» است، نیز دو دیدگاه وجود دارد. برخی برای امام حسین علیه السلام از دو پسر به نام «علی» یاد کرده، علی شهید را «علی اکبر» و امام سجاده علیه السلام را «علی اصغر» خوانده‌اند و از کودکی به نام علی اصغر نام نبرده‌اند (فضیل بن زبیر، ۱۴۰۶: ۱۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: ۱/۴۷۰ و ۴۷۶، ۴۸۰؛ زبیری، ۱۹۹۹: ۵۷-۵۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۴۰۶، ۴۱۱؛ دینوری، ۱۳۷۳: ۲۵۶، ۲۵۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۴۶، ۴۵۴؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۳/۱۵۴، ۲۶۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۶۱؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶؛ بخاری، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲؛ علوی عمری، ۱۳۸۰: ۲۸۱-۲۸۲؛ شجری، ۱۴۲۲: ۱/۲۲۴؛ ابن فندق، ۱۳۸۵: ۱/۳۴۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۵/۳۴۰، ۳۴۵؛ سبط ابن جوزی، ۱۳۲۶: ۲/۱۷۴، ۱۸۲). اما برخی دیگر برای امام حسین علیه السلام از سه پسر به نام «علی» نام برده‌اند که آخرین آنها کودک بوده است (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۱۱۴-۱۱۵، ۱۲۳؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲/۳۶-۳۷) و بعضی حتی تصریح کرده‌اند که علی پسر لیلا، «علی اکبر»، علی زین‌العابدین، «علی اوسط» و علی کودک، «علی اصغر» است (طبری صغیر، ۱۴۱۳: ۱۸۱؛ ابن خشاب، ۱۴۲۲: ۱۳۳؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۴/۷۷؛ شافعی نصیبی، ۱۴۱۹: ۲۵۷؛ اربلی، ۱۳۷۹: ۱/۵۸۱-۵۸۲).

بنابراین، از دید بیشتر منابع تاریخی و کتاب‌های تراجم و آنساب، علی شهید در کربلا علی اکبر است و امروزه نیز همین دیدگاه مشهور شده است. ابن ادریس حلی (۱۴۱۰):

۶۵۵/۱-۶۵۶) می‌گوید: اگرچه شیخ مفید علی شهید را از امام سجاد علیه السلام کوچک‌تر دانسته ولی در این مسئله باید به اهل فن مراجعه کرد که تاریخ‌نگاران، سیره‌نویسان و نسب‌شناسان هستند. وی سپس می‌گوید مطابق گزارش آنان، علی شهید بزرگ‌تر از امام سجاد علیه السلام بوده و عنوان «علی اکبر» بر او اطلاق می‌شود.

اما چگونه برخلاف گزارش مشهور، عالمان بزرگی چون شیخ مفید، شیخ طوسی و طبرسی، امام سجاد علیه السلام را بزرگ‌تر دانسته‌اند؟ برخی این مسئله را چنین توجیه کرده‌اند که دیدگاه آنان به خاطر ملاحظه روایتی است که می‌گوید فرزند بزرگ امام باید جانشین او شود. در رد این توجیه نیز گفته شده که کوچک بودن امام سجاد علیه السلام از علی اکبر، در امامت آن حضرت اشکالی وارد نمی‌کند؛ زیرا منظور از فرزند بزرگ در روایت، بزرگ بودن هنگام فوت امام است و امام سجاد علیه السلام هنگام شهادت سیدالشهداء پسر بزرگ بود، چون علی اکبر شهید شده بود (نک. تُستری، ۱۴۲۲: ۴۲۰/۷-۴۲۱؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۳۱۴/۱-۳۱۵).

علی اکبر علیه السلام اولین شهید اهل بیت علیهم السلام در کربلا

اصحاب سیدالشهداء هرکدام در رفتن به میدان جنگ از دیگری سبقت می‌گرفتند و با اشتیاق به شهادت، از امام حسین علیه السلام حمایت می‌کردند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۴/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۲/۵؛ ابن‌نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۷). آنان پیش از ورود جوانان اهل بیت، وارد میدان جنگ شدند تا به شهادت رسیدند. پس از آنان، جوانان اهل بیت وارد عرصه نبرد شده و در دفاع از سیدالشهداء جان خود را فدا کردند. در میان جوانان اهل بیت، برخی عبدالله بن مسلم بن عقیل را اولین شهید معرفی کرده‌اند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۱۱۰/۵؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۰/۲؛ ابن‌شهر آشوب، بی‌تا: ۱۰۵/۴) و برخی دیگر عباس بن علی را اولین شهید خاندان ابی‌طالب دانسته‌اند (سبط ابن جوزی، ۱۳۲۶: ۱۸۰/۲). اما مطابق نظر مشهور، علی اکبر، اولین کسی بود که از خاندان اهل بیت و فرزندان ابی‌طالب به میدان جنگ رفت و به شهادت رسید (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۶/۳؛ دینوری، ۱۳۷۳: ۲۵۶؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۶/۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۲؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۶۵۴/۱-۶۵۴).

۶۵۵؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

صحنه میدان رفتن علی اکبر علیه السلام

حضرت علی اکبر وقتی دید از اصحاب و یاران کسی باقی نمانده و همه شهید شدند، نزد پدر آمد و از او اجازه خواست تا به میدان جنگ برود. امام حسین علیه السلام بدون درنگ به او اجازه داد اما نگاهی ناباورانه به جوانش انداخت و اشک از دیدگانش جاری شد و گریه کرد (ابن نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۸؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۲). امام علیه السلام در آن حال فرمود: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلامٌ أَشْبَهُ النَّاسِ خَلْقاً وَخُلُقاً وَمَنْطِقاً بِرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْهِ، پروردگارا گواه باش که جوانی را به جنگ آنان فرستادم که از نظر جمال و خلق و خوی و منطق و سخن گفتن، شبیه ترین مردم به رسول و فرستاده تو بود و ما هر وقت مشتاق دیدار پیامبرت می شدیم، به صورت او نظر می کردیم». حضرت سپس فریاد زد: «يَا ابْنَ سَعْدٍ قَطَعَ اللَّهُ رَحِمَكَ كَمَا قَطَعْتَ رَحِمِي؛ فرزند سعد! خدا نسل تو را قطع کند همین طور که نسل من را قطع کردی» (ابن اعثم، ۱۴۱: ۵/۱۱۴؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۲؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲/۳۴-۳۵؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۲).^۱ هنگامی که علی اکبر به سوی میدان جنگ می رفت، چنین رجز می خواند:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ
تَاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِيِّ أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ أَحَامِي عَنْ أَبِي
ضَرِبَ غُلامٌ هَاشِمِيٌّ قُرَشِيٍّ

من علی فرزند حسین بن علی هستم. قسم به کعبه که ما به [جانشینی] پیامبر سزاوارتر هستیم. به خدا سوگند آن فرزند فرومایه نمی تواند بر ما حکومت کند. در حمایت از پدرم با شمشیر ضربت می زنم ضربت زدن جوان هاشمی قریشی (نک. طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۴۶؛ ابن اعثم، ۱۴۱: ۵/۱۱۴-۱۱۵؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۵؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۳/۱۵۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۱۰۶؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲/۳۵).^۲

۱. تعبیرات منابع، اندکی تفاوت دارند و در *امالی* صدوق بخش آخر گزارش (یا ابن سعد قطع الله رحمک...) نیامده است.

۲. اشعار در منابع مختلف با تفاوتی در عبارات و تعداد ابیات گزارش شده است. در اینجا مطابق *ارشاد* مفید



تشنگی علی اکبر علیه السلام

حضرت علی اکبر جنگ سختی کرد و عده‌ای زیادی را کشت و خود نیز جراحات فراوان برداشت؛ اما تشنگی بر او غلبه کرد و به سوی پدر بازگشت و گفت: «يَا أَبَتِ الْعَطْشُ قَدْ قَتَلَنِي وَثَقُلُ الْحَدِيدُ قَدْ أَجْهَدَنِي فَهَلْ إِلَى شَرْبَةِ مِنَ الْمَاءِ سَبِيلٌ؟» پدر جان تشنگی من را کشت و سنگینی سلاح من را به زحمت انداخته است، آیا جرعه آبی هست؟ امام حسین علیه السلام گریه کرد و فرمود: حبیب من صبر پیشه کن، زود است که از دست جدت رسول خدا سیراب شوی به گونه‌ای که بعد از آن هرگز احساس تشنگی نکنی. علی اکبر دوباره به میدان نبرد بازگشت (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۱۱۵؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۶؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۳/۱۵۳؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲/۳۵؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۴/۱۰۹؛ ابن نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۹؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۲).^۱

چگونگی شهادت علی اکبر علیه السلام

علی اکبر چنان مبارزه می کرد که کار را بر سپاه دشمن سخت کرده بود اما مَرَّةً بِن مُنْقِدِ عَبْدِ وَاقْتِي دِيد لَشَكَرَا زَكْشْتِن اُو خُوود دَارِي مِي كِنْنَد، گفـت: گناهان عرب برگردن من اگر این جوان به دست من بیفتد و او را نکشم. علی اکبر این بار وقتی به سپاه دشمن حمله کرد، او سر راهش را گرفت و با نیزه به علی اکبر زد تا از اسب به روی زمین افتاد. آن گاه لشکریان عمر سعد دور او را احاطه و بدنش را با شمشیرهای خود قطعه قطعه کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۴۶؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۱۰۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰).

نقل شد.

۱. عبارات منابع یاد شده در بیان گزارش، اندکی تفاوت دارند. خوارزمی این مطلب را اضافه کرده که امام حسین علیه السلام به علی اکبر علیه السلام فرمود زبانت را بیاور و امام علیه السلام زبان او را مکید و انگشترش را داد و گفت در دهانت بگذار و به نبرد بازگرد.

۲. نام قاتل علی اکبر در برخی کتاب‌ها مانند مقتل خوارزمی، مثير الأحرار و لهوف، مُنْقِدِ بِن مَرَّةً عَبْدِ ضَبْط شده است؛ اما در منابع قدیمی تر مانند تسمیه من قُتِل مع الحسين، الطبقات الكبرى، أنساب الأشراف، الأخبار الطوال، تاریخ الطبری، شرح الأخبار، مقاتل الطالبیین، الإرشاد، المناقب، تذکرة الخواص و زیارت ناحیه مقدسه، مَرَّةً بِن مُنْقِدِ عَبْدِ آمَدَه است.

۳. فَقطَعُوهُ بِأَشْيَاءِ فِيهِمْ.

۲۴۶؛ ابن نماي حلی، ۱۴۰۶: ۶۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۸۵/۸). علی اکبر از جمله کسانی است که در هنگام شهادت بدنش قطعه قطعه شد. برخی مقاتل تعبیر «ارباً ارباً» را به کار برده و گفته اند: «فَقَطَّعُوهُ بِأَشْيَافِهِمْ اِرْباً اِرْباً، اورا با شمشیرهایشان عضو عضو و پاره پاره کردند» (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۶/۲).

برخی مورخان نقل کرده اند مُرَّةُ بن مُنْقِذِ عَبْدِ تیری به سوی علی اکبر پرتاب کرد و یا ضربه ای بر سر آن حضرت زد که توان خود را از دست داد و به زمین افتاد، آن گاه صدا زد: «يَا أَبْتَاهَ عَلَيكَ مِئِي السَّلَامُ هَذَا جِدِّي يُفْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ عَجَلِ الْقُدُومِ عَلَيْنَا ثُمَّ شَهَقَ شَهَقَةً فَمَاتَ؛ پدر جان از من به تو سلام. این جد من است که به تو سلام می رساند و می فرماید: در آمدنت به سوی ما شتاب کن». سپس فریادی زد و جان را به حق تسلیم کرد (اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۶؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۱۵۳/۳؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۶/۲؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

آمدن حسین علیه السلام و زینب علیها السلام بر بالین علی اکبر علیه السلام

امام حسین علیه السلام وقتی صدای علی اکبر را شنید و از شهادت آن حضرت باخبر شد، خود را بر بالین او رساند، «وَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ وَقَالَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوا مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى انْتِهَايِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ! عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَمَاءُ؛ صورتش را به صورت علی اکبر نهاد و فرمود: خدا بکشد مردمی را که تو را کشتند. چقدر بر خدا گستاخی نمودند و حرمت رسول خدا را شکستند! بعد از تو خاک بر سر این دنیا باد!» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۶/۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ص ۱۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۶؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۶/۲؛ ابن مشهدی، ۱۳۷۸: ۱۴۸؛ ابن نماي حلی، ۱۴۰۶: ۶۹؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۷۳/۳؛ همو، ۱۳۸۳: ۱۵۴).^۲

زینب دختر علی علیه السلام نیز از خیمه بیرون آمد و مانند خورشید به هنگام طلوع، به سرعت

۱. اِزْبَ به معانی مختلف از جمله نیازمندی و اعضای بدن به کار می رود. اما وقتی به صورت اِرباً اِرباً و با فعل قَطَعَ استعمال شود مانند «قَطَعْتُهُ اِرْباً اِرْباً» چگونگی قطع کردن را بیان می کند، به معنای «قَطَعْتُهُ عَضُواً عضواً» یعنی او را عضو عضو و قطعه قطعه کردم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده ارب).
 ۲. جمله «وَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ» تنها در لُهَوف روایت شده است.

سوی میدان دوید و صدا زد: «يَا حَبِيبَاهُ يَا ابْنَ أَخَاهُ وَجَاءَتْ فَأَكَبَتْ عَلَيْهِ فَجَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخَذَهَا وَرَدَّهَا إِلَى الْفُسْطَاطِ؛ ای حبیب من، ای فرزند برادرم! تا اینکه خود را به روی جسد علی اکبر انداخت. امام حسین علیه السلام آمد زیر بغل زینب را گرفت و به سوی خیمه برگرداند» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۶/۵-۴۴۷؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۶؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۶/۲؛ ابن نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۹؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

امام حسین علیه السلام به جوانان اهل بیت فرمود: «اِحْمِلُوا آخَاكُمْ؛ برادران را بردارید و ببرید». آنان بدن علی اکبر را از قتلگاه برداشته به خیمه گاه بردند و پیش خیمه ای که مقابل آن می جنگیدند، کنار دیگر کشتگان گذاشتند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۷/۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۲؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۶/۲).

نتیجه

مطالعه و بررسی منابع متقدم درباره حضرت علی اکبر علیه السلام و چگونگی شهادت وی به این نتیجه انجامید که آن حضرت پسر بزرگ امام حسین علیه السلام بوده و حدود ۲۵ سال یا بیشتر سن داشته است. علی اکبر علیه السلام در نبرد روز عاشورا نخستین شهید بنی هاشم بود. او پس از شهادت اصحاب و یاران سیدالشهداء، نزد پدر آمد و اجازه میدان خواست و امام علیه السلام نیز بدون درنگ به آن حضرت اجازه داد. علی اکبر علیه السلام در میدان نبرد، سخت مبارزه کرد اما یک بار در هنگامه جنگ به خیمه بازگشت و از فشار تشنگی با پدر سخن گفت و سپس به میدان نبرد رفت. آن حضرت سرانجام توسط ضربت نیزه مُرَّة بن مُنْقِد عبیدی به زمین افتاد و دشمن هجوم آورده بدن او را با شمشیر قطعه قطعه و عضو عضو کردند. برخی در چگونگی شهادت آن حضرت تعبیر «ارباً ارباً» را به کار برده اند. شهادت علی اکبر علیه السلام بر امام حسین علیه السلام و زینب بسیار سخت تمام شد. آن دو بزرگوار به بالین علی اکبر علیه السلام آمدند. امام علیه السلام با دیدن بدن پاره پاره فرزند رشیدش فرمود: «بعد از تو خاک بر سر این دنیا باد!». حضرت زینب خود را روی بدن علی اکبر انداخته، ندا می کرد: «ای حبیب من! ای فرزند برادرم». در نهایت امام حسین علیه السلام به جوانان بنی هاشم دستور داد تا بدن علی اکبر را به

خیمه‌ها ببرند و آنها بدن حضرت را برداشته به خیمه بردند و کنار دیگر شهیدان گذاشتند.

منابع

- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۴۱۱ق)، الفتح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء.
- ابن جوزی، عبدالرحمان (۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن خشاب (۴۲۲ق)، تاریخ موالید الأئمه، در مجموعه نفیسه فی تاریخ الأئمه، بیروت، دار القاری.
- ابن داود حلی، حسن بن علی (۳۴۲ش)، الرجال، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن سعد، محمد (۴۱۴ق)، الطبقات الكبرى (الطبقه الخامسه)، تحقیق محمد بن صامل السلمی، طایف، مکتبه الصدیق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، المناقب (یا مناقب آل ابی طالب)، تصحیح هاشم رسولی و محمد حسین آشتیانی، قم، انتشارات علامه.
- ابن طاووس، سید علی بن موسی (۳۷۶ش)، الإقبال بالأعمال الحسنه، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۳ش)، لهوف (سوگنامه سالار شهیدان)، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، قم، انتشارات نبوغ.
- ابن عنبه، احمد بن علی (۳۸۳ش)، عمدہ الطالب فی أنساب آل ابی طالب، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن فندُق بیهقی، علی بن زید (۳۸۵ش)، لباب الأنساب والألقاب والأعقاب، مقدمه شهاب الدین مرعشی، تحقیق مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی



نجفی.

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، البدایہ والنہایہ، بیروت، دار الفکر.
- ابن مشہدی، محمد بن جعفر (۱۳۷۸ش)، المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی اصفہانی، قم، جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر للطباعہ والنشر والتوزیع - دار صادر.
- ابن نمای حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق)، مئیر الاحزان، قم، مدرسہ امام مہدی.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۷۹ش)، کشف الغمہ فی معرفہ الأئمہ، مقدمہ سید احمد حسینی، قم، الشریف الرضی.
- اصفہانی، ابوالفرج علی بن حسین (۱۴۱۹ق)، مقاتل الطالبیین، تحقیق وشرح احمد صقر، بیروت، مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات.
- بخاری، ابی نصر سهل بن عبد اللہ (۱۳۸۹ش)، سیر السلسلۃ العلویۃ فی أنساب السادہ العلویہ، تحقیق سید مہدی رجایی، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، جمل من أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکارو ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.
- تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء (۱۳۹۵ش)، گروہی از تاریخ پژوهان، زیر نظر مہدی پیشوایی، قم، مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- تُستری، محمد تقی (۱۴۲۲ق)، قاموس الرجال، قم، مؤسسۃ النشر الاسلامی.
- خوارزمی، موفق بن احمد اخطب خوارزم (۱۳۸۱ش)، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، قم، انوار الہدی.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۳ش)، الأخبار الطوال، تصحیح جمال الدین شیال، تحقیق محمد عبدالمنعم عامر، قم، الشریف الرضی.
- زُبیری، مُصعب بن عبد اللہ (۱۹۹۹م)، نسب قریش، تحقیق لیفی بروف نسال، قاہرہ، دار المعارف.
- سبط ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۳۲۶ق)، تذکرہ الخواص من الأئمہ بذکر خصائص

- الأئمة، تحقيق حسين تقى زاده، قم، المجمع العالمي لأهل البيت.
- شافعي نصيبى، محمد بن طلحة (١٤١٩ق)، مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول،
تصحیح عبدالعزيز طباطبایى، بیروت، مؤسسه البلاغ.
- شجرى، یحیی بن حسین (١٤٢٢ق)، الأمالى الخمیسیه، تحقیق محمد حسن اسماعیل
شافعی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (١٣٧٦ش)، الأمالى، تهران، کتابچی.
- طبرسى، فضل بن حسن (١٣٩٥ق)، إعلام السورى بأعلام الهدى، تهران، دارالکتب
الاسلامیه.
- _____ (١٤٢٢ق)، تاج الموالید فى موالید الأئمه ووفیاتهم، بیروت، دارالقارى.
- طبرى صغیر، محمد بن جریر بن رستم (١٤١٣ق)، دلائل الإمامه، قم، بعثت.
- طبرى، محمد بن جریر (١٣٨٧ق)، تاریخ الطبرى (تاریخ الأمم والملوک)، تحقیق محمد
ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
- طوسى، محمد بن حسن (١٣٧٣ش)، رجال الطوسى، تصحیح جواد قیومى اصفهانى،
قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه.
- علوى عمرى، على بن محمد (١٣٨٥ش)، المجدى فى أنساب الطالبیین، تحقیق احمد
مهدوى دامغانى، قم، کتابخانه آیت الله العظمى مرعشى نجفى.
- عمرانى، سید مسعود (١٣٩٧ش)، «واکاوى تاریخ ولادت و سن شریف على اکبردر
منابع تاریخی»، پژوهش نامه معارف حسینى، سال سوم، شماره ٩، بهار، ص ٧-٢١.
- فضیل بن زبیر اسدى کوفى (١٤٥٦ق)، تسمیه من قُتل مع الحسین، تحقیق محمدرضا
حسینى جلالى، قم، مؤسسه آل البيت.
- کلینى، محمد بن یعقوب (١٤٢٩ق)، الکافى، قم، دارالحديث.
- محمدى رى شهرى، محمد (١٣٨٨ش)، دانشنامه امام حسین بر پایه قرآن، حدیث و
تاریخ، همکاران: سید محمود طباطبایى نژاد، سید روح الله سید طباطبایى، قم، سازمان
چاپ و نشر دارالحديث.
- مسعودى، على بن حسین (١٤٥٩ق)، مروج الذهب ومعادن الجواهر، تحقیق یوسف

- اسعد داغر، قم، مؤسسة دارالهجره.
- مغربي، قاضي نعمان بن محمد (١٤٠٩ق)، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، تحقيق محمد حسيني جلالى، قم، جامعه مدرسين حوزة علميه قم.
- مفيد، محمد بن نعمان (١٤١٣ق)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، قم، المؤتمر العالمى لالفیه الشيخ المفيد.
- مقرّم، عبدالرزاق (١٤٢٦ق)، مقتل الحسين، بيروت، مؤسسه الخرسان للمطبوعات.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی